



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.21276.2447

The Virtues of the Two Sheikhs (Abu Bakr and Umar) in the Conflict of Negation and Affirmation “Validation of the Chains of Transmission in Daraqutni’s Book on the Virtues of the Companions”

Ali Rad^{1*}

Rouhollah Shahidi²

Behnaz Mohammadkazemi³

Abstract

“In a part of Daraqutni’s book, ‘Fada’il al-Sahabah’, which is attributed to a Sunni hadith scholar from Baghdad in the fourth century AH, there are narrations from Shia Imams that praise and honor the two Sheikhs (Abu Bakr and Umar). “These hadiths deny the existence of any discord or animosity between the Shia Imams and the two Sheikhs. The main objective of this study is to assess the authenticity of the chains of narration (isnads) in Fada’il al-Şahābah and to evaluate the reliability of its narrators, relying on both Sunni and Shia biographical sources. Additionally, by mapping the isnad networks, the study aims to uncover shared links in the chains of these hadiths. The present paper examines the isnads of the hadiths in Fada’il al-Şahābah in two sections: one concerning hadiths attributed to the Shia Imams and the other concerning hadiths attributed to the Shia family. Ultimately, it presents the selected perspective regarding the authenticity of these isnads. The findings of the research demonstrate that the authenticity of the isnads in Fada’il al-Şahābah is weak; most of them suffer from relative isolation and were sourced from non-Imami Shia sects, such as the Zaydis and Batriyyah, which, according to Imami hadith scholars, are deemed unreliable. Despite al-Daraqutni’s well-known expertise in hadith criticism, his inclination to favor the two Shaykhs led him to adopt a lenient and tolerant stance in attributing these texts to the Imami Shia.

Keywords

The Book of the Virtues of the Companions, Al-Daraqutni, Relative Uniqueness of Narratives, Common Link of Narratives, Isnad Network of Narratives.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Qom, Iran. Email: ali.rad@ut.ac.ir .

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Qom, Iran. Email: shahidi@ut.ac.ir

3. Master’s Graduate in Quranic Sciences and Hadith, University of Tehran, Qom, Iran. Email: behnaz.mkazemi@ut.ac.ir

Received on: 05/02/2025 Accepted on: 15/07/2025

Copyright © 2025, Rad, Shahidi & Mohammadkazemi

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸
فکس: ۰۲۱-۲۴۴۷-۲۵۸۸

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.21276.2447

فضایل شیخین در کشاکش نفی و اثبات «اعتبارسنجی اسناد احادیث فضائل الصحابه دارقطنی»

علی راد^{۱*}

روح الله شهیدی^۲

بهناز محمد کاظمی^۳

چکیده

در بخشی از کتاب فضائل الصحابه دارقطنی، که از محدثان اهل سنت بغداد در قرن چهارم هجری است، احادیثی از امامان شیعه در تمجید و تکریم شیخین روایت شده است که وجود هرگونه نقار و کدورت میان ائمه‌ی شیعه و شیخین را نفی می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش اعتبارسنجی اسناد احادیث کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی و بررسی میزان اعتبار راویان آن با تکیه بر منابع رجالی اهل سنت و شیعه؛ همچنین با ترسیم شبکه‌ی اسناد در صدد کشف حلقه‌های مشترک اسناد این احادیث است. نوشتار حاضر اسناد احادیث کتاب فضائل الصحابه را در دو بخش احادیث امامان شیعه و احادیث خاندان شیعی مورد بررسی قرار داده و در نهایت دیدگاه منتخب را در خصوص اعتبار این اسناد ارائه داده است. برآیند پژوهش اثبات می‌کند اعتبار اسناد احادیث کتاب فضائل الصحابه، ضعیف است؛ غالب آن‌ها به تفرد نسبی دچارند و از مصادر فرقه‌های غیر امامیه‌ی شیعه چون زیدیان و بتریان اخذ شدند که در نگاه رجالیان امامیه فاقد اعتبارند. علی‌رغم اشتباه دارقطنی به نقادی در حدیث، اندیشه تفصیل شیخین اورابه تساهل و تسامح در انتساب این متون به شیعه امامیه سوق داده است.

کلیدواژه‌ها

کتاب فضائل الصحابه، دارقطنی، تفرد نسبی روایت، حلقه‌ی مشترک در روایت، شبکه‌ی اسناد روایات.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
ali.rad@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. shahidi@ut.ac.ir

۳. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.
behnaz.mkazemi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسالہ

کتاب «فضائل الصحابة ومناقبہم وقول بعضہم فی بعض» منسوب بہ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی (م ۳۸۵ق) است. جزء یازدہم این کتاب موجود و بقیہی اجزای آن مفقود است. کتاب در تحقیق دوم دارای ۸۱ حدیث است کہ ۲۱ مورد آن ذیل عنوان «اخبار علی (ع) درباره‌ی عمر» و ۶۰ مورد آن ذیل عنوان «اخبار خاندان علی (ع) درباره‌ی ابوبکر و عمر» ذکر شدہ اند (دارقطنی، ۱۴۲۲ق، سراسر اثر).

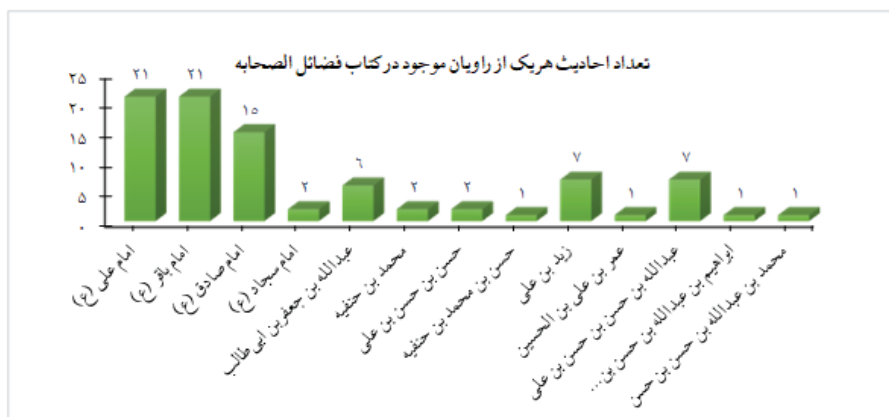
در بخشی از این کتاب احادیثی از امامان شیعه در تمجید و تکریم شیخین روایت شدہ است کہ وجود ہرگونہ نقار و کدورت میان ایشان را نفی می کند. مسئلہ اصلی این پژوهش اعتبارسنجی اسناد این احادیث با استفادہ از منابع رجالی اہل سنت و نیز سنجش میزان اعتبار راویان و بررسی تعلقات جریانی آنان است. همچنین پژوهش حاضر با ترسیم شبکہ‌ی اسانید احادیث کتاب فضائل الصحابہ‌ی دارقطنی درصدد یافتن رابطہ‌ی معناداری میان آن‌ها و کشف حلقہ‌های مشترک^۱ اسناد احادیث است تا بہ وسیلہ‌ی آن دریابد نشر احادیث فضائل شیخین موجود در کتاب فضائل الصحابہ‌ی دارقطنی از ریشہ‌های متعدد نشأت گرفتہ و یا توسط راویانی خاص و یا راویانی دارای ویژگی‌های خاص نقل می شوند.

شناخت محتوای احادیث از ارکان مہم استفادہ از حدیث شمرده می شود زیرا ہدف نہایی بهره گیری از محتوا و مدلول احادیث است. این مدلول یابی زمانی در جایگاہ صحیح خود قرار می گیرد کہ صدور روایت از معصوم (ع) احراز گردد، از ہمین رو بررسی سند در احادیث ضرورت می یابد (نیل ساز و دیگران، ۱۴۰۳ش، ۱۲). رجال پژوهان شیعه و اہل سنت قواعدی برای پذیرش روایت راویان وضع نمودہ اند کہ از جملہ این قواعد می توان بہ صداقت راوی و خبرگی وی در نقل حدیث اشارہ نمود (صنعانی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۴۰؛ طیبی و دیگران، ۱۳۹۸ش، ۸۰).

بہ ہمین منظور در این پژوهش، اعتبارسنجی اسناد احادیث کتاب فضائل الصحابہ بر پایہ‌ی مبانی رجالی فریقین و با تکیہ بر مبانی رجالی اہل سنت صورت پذیرفتہ است. شایان توجہ آن کہ پیش از این مقالہ، چنین پژوهشی در تحلیل، نقد و اعتبارسنجی

۱. در تاریخ گذاری احادیث کهن ترین فردی کہ در طرق مختلف، چند نفر از شاگردان از او نقل روایت می کنند را حلقہ‌ی مشترک می نامند (ر. ک: ینبل، ۲۰۱۶م، ۱۷۵-۲۱۶؛ آقایی، ۱۳۸۵ش، ۱۴۹). شاخت معتقد است حلقہ‌ی مشترک نخستین کسی است کہ حدیث را رواج دادہ است (شاخت، ۱۹۵۰م، ۱۷۱ و ۱۷۲). بہ عقیدہ ینبل راویانی کہ از حلقہ‌ی مشترک حدیث را برای دو یا چند نفر از شاگردان خود نقل می کنند حلقہ‌ی مشترک فرعی نامیدہ می شوند (ینبل، ۱۹۸۹م، ۳۵۲؛ آقایی، ۱۳۸۵ش، ۱۵۰).

شبکه‌ی اسناد احادیث این کتاب انجام نشده است. میزان و دامنه فراوانی احادیث شیعی در کتاب دارقطنی با رویکرد تفضیل و تکریم شیخین در نمودار ۱ آمده است که محیط این تحقیق را نشان می‌دهد.



نمودار ۱ - دامنه‌ی فراوانی احادیث شیعی در کتاب فضائل الصحابه

مقاله در سه بخش احادیث امامان شیعه، احادیث خاندان شیعی و دیدگاه منتخب تألیف شده است.

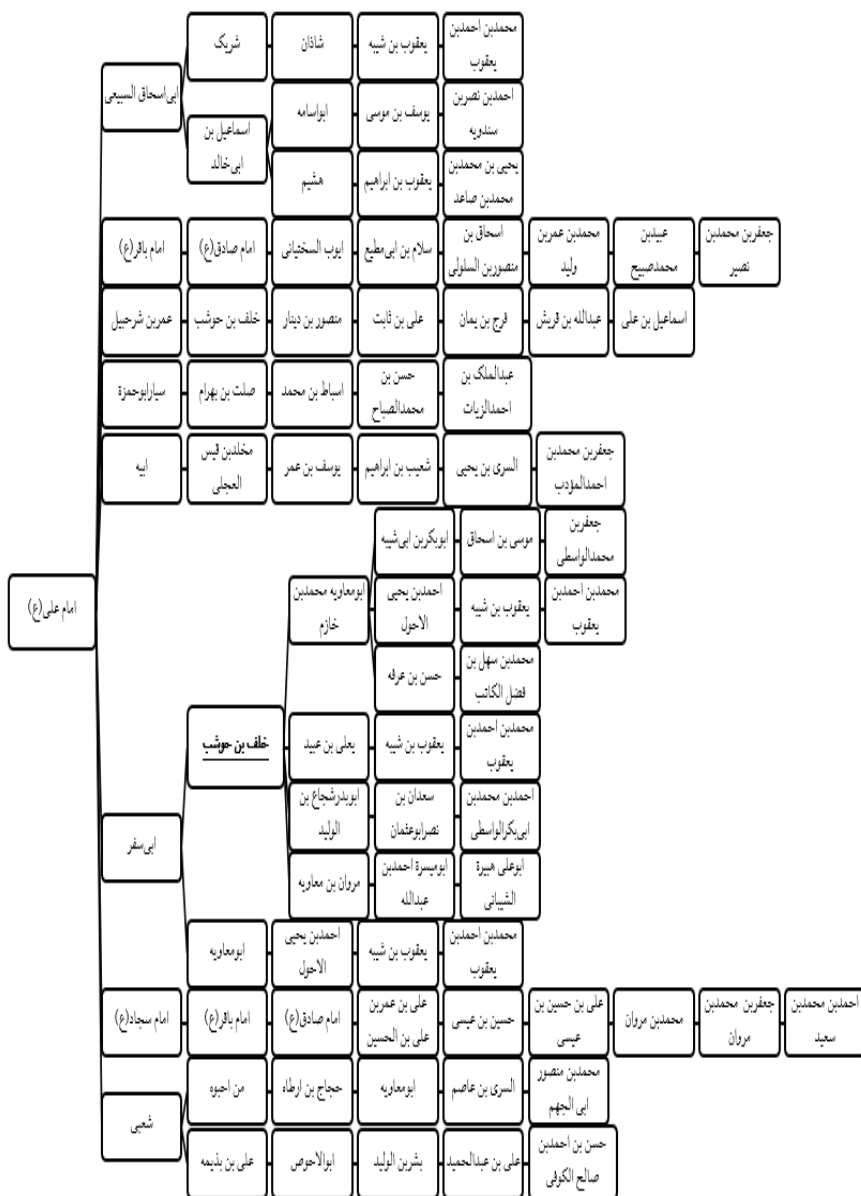
۲. احادیث امامان شیعه؛ اعتبارسنجی و تحلیل

با توجه به نمودار ۱، احادیث چهار تن از ائمه‌ی شیعه در کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی ذکر شده‌اند. احادیث منقول از امام علی (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام سجاد (ع) که در ادامه به تفصیل بحث شده‌اند:

۲-۱. احادیث امام علی (ع)

احادیث حضرت علی (ع) با ملاحظه ۴ مورد تکرار احادیث و نیز وجود یک سند کاملاً تکراری برای دو حدیث، ۱۶ سند است^۱ لذا در نمودار ذیل، هر دو سند (هم سند دارای افتادگی و هم سند کامل) ذکر شده‌اند و در نهایت نمودار شماره دو نمایانگر ۱۷ سند از احادیث حضرت علی (ع) می‌باشد.

۱. در سند شماره‌ی ۷، «ابومعویه» راوی «ابی سفر» است و از وی حدیث را نقل می‌کند، درحالی‌که در شماره‌ی ۱۳، «ابومعویه» راوی «خلف بن حوشب» و او راوی «ابی سفر» می‌باشد (دارقطنی، ۱۴۱۹ق، ۳۷).



نمودار ۲- اسناد احادیث امام علی (ع)

۲-۱-۱. اعتبارسنجی و تحلیل

«خلف بن حوشب» در ۷ طریق از اسناد احادیث حضرت علی (ع) در این کتاب حضور دارد. ذکر این نکته مهم می‌نماید که با در نظر داشتن سند حدیثی که دارای افتادگی بوده (دارقطنی، ۱۴۱۹ق، ۳۷)؛ در نقل روایت از «ابی سفر» نیز راوی «خلف بن حوشب» است.

۲-۱-۱-۲. طریق خلف بن حوشب

از جمله افرادی که در تعداد زیادی از اسناد احادیث کتاب فضائل الصحابه وجود دارد و این تعداد با در نظر گرفتن تکرار ۳ حدیث، به ۱۳ مورد می‌رسد «خلف بن حوشب» است (دارقطنی، ۱۴۱۹ق، ۳۵-۴۱ و ۸۸-۹۰). طبق نمودار ۲، ۷ مورد از احادیثی که «ابی سفر» از امام علی (ع) در کتاب فضائل الصحابه نقل کرده است، توسط یکی از شاگردان او به نام «خلف بن حوشب» نقل شده که این تعداد با حذف طرق تکراری در این بخش است.

نام کامل راوی «خلف بن حوشب الکوفی العابد أبویزید» (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۰؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۹۴). برادر «کلب بن حوشب» و متوفای حدود سال ۱۴۰ق است (مرّی، ۱۴۰۶ق، ۸: ۲۷۹؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۸۷). او را ثقه (عجلی، ۱۴۲۸ق، ۱۴۴؛ مرّی، ۱۴۰۶ق، ۸: ۲۷۹؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۸۷) و از طبقه‌ی اصحاب امام صادق (ع) برشمرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۰؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۷: ۶۷).

سه طریق از ۷ طریق فوق را «ابومعایه محمد بن خازم السعدی الکوفی» از «خلف بن حوشب» نقل کرده است. اهل سنت «ابومعایه» را امام، حافظ و حجة دانسته‌اند که متوفای ۱۹۴ یا ۱۹۵ق و رئیس مرجئه در کوفه بوده است. ذهبی در کتاب «سیر اعلام النبلاء» به نقل از یعقوب بن شبیه او را ثقه ولی مدلس خوانده و چنین بیان کرده که ابن خراش نیز او را در نقل روایات از اعمش، ثقه و در غیر آن مضطرب دانسته است (ابن حبان، ۱۹۵۹م، ۱: ۱۷۲؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۷۷). در منابع رجالی «خلف بن حوشب» در شمار مشایخ او نیست (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۲۹۹). با توجه به وجود جرح برای «ابومعایه» و عدم اثبات روایت او از «خلف بن حوشب»، این سه سند ضعیف است. در خصوص «ابومعایه» در منابع رجالی شیعه اطلاعاتی یافت نشد.

«یعلی بن عبید بن ابی امیه» را ثقه و متوفای ۲۰۹ق در کوفه دانسته‌اند (عجلی، بی‌تا، ۳۹: ۳۹؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۴۷۷) نقل روایت او از «خلف بن حوشب» قابل اثبات نیست،

همچنین نام این راوی در منابع رجالی شیعه یافت نشد؛ لذا بنا بر مبانی رجالی^۱ شیعه به علت مهمل بودن راوی طریق او ضعیف و بر اساس مبانی رجالی اهل سنت عدم اثبات اتصال طریق، سبب ضعف این سند خواهد بود.

«شجاع بن الولید بن قیس السکونی الکوفی» امام، محدث و صدوق است (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۵۴). ابوحاتم عقیده دارد به روایات «ابوبدر» احتجاج نمی‌شود (ابن ابی حاتم، بی تا، ۴: ۳۷۸؛ عجللی، بی تا، ۱: ۱۷۶). طریق این راوی با توجه به وجود لفظ جرح توسط برخی رجالیان ضعیف است؛ همچنین نقل حدیث او از «خلف بن حوشب» اثبات نمی‌شود. در منابع رجالی شیعه نیز شرح حالی از «شجاع بن الولید بن قیس» یافت نشد.

اهل سنت «مروان بن معاویه بن الحارث الفزاری» را ثقه، امام و حافظ، کوفی و دمشقی دانسته‌اند. متوفای سال ۱۹۳ق است و برخی از رجالیان درباره‌ی او گفته‌اند که در نقل روایت از مشایخ معروف ثقه و در نقل روایت مجهولان ضعیف است (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۵۲). ابوحاتم «مروان بن معاویه» را در نقل حدیث از مشایخ مجهول دارای کثرت دانسته است (ابن ابی حاتم، بی تا، ۴: ۲۷۲). در منابع رجالی شیعه درباره‌ی توثیق و تضعیف او اطلاعاتی وجود ندارد فقط به ذکر نام این راوی و کوفی بودن او اکتفا شده همچنین او را در شمار راویان امام صادق (ع) دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۱۰؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۸: ۱۲۴). بنا بر آنچه بیان گردید سند این روایت نیز محکوم به ضعف است.

۲-۱-۱-۲. طریق ابواسحاق السبئی

سماع روایت «عمرو بن عبدالله ابواسحاق السبئی» از امام علی (ع) ثابت نشده است و در اسناد احادیث بسیاری با واسطه از امام علی (ع) نقل روایت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۰ و ۳۳ و ۱۴۱ و ...). با این حال چنانچه امام (ع) را درک و از ایشان نقل روایت می‌داشت علی‌رغم توثیق رجالیان اهل سنت، به تدلیس و اختلاط متهم شده است (مزی، ۱۴۰۶ق، ۲۲: ۱۰۲-۱۱۳). «ابواسحاق السبئی» متوفای ۱۲۷ق است (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۴۰۰). در منابع اولیه‌ی رجالی شیعه شرح حالی از این راوی وجود ندارد، جز آن‌که در طبقه‌ی اصحاب امام صادق (ع) بوده و نامش در اسناد شماری از احادیث ذکر شده است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۴۸؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۲۱: ۱۷).

۱. مقصود از مبانی رجالی، بررسی شرح حال راویان احادیث براساس معیارهای جرح و تعدیل رجالیان اهل سنت و شیعه در کتب رجالی موجود است.

لکن در کتاب مستدرکات علم رجال به نقل از شیخ مفید در کتاب الاختصاص «ابواسحاق السبعی» عابد و ثقه دانسته شده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۵ق، ۸: ۳۲۴). «اسماعیل بن ابی خالد» و «شریک قاضی» از جمله راویان او هستند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۳۹۳). چون «ابواسحاق السبعی» در منابع رجالی اهل سنت به تدلیس و اختلاط متهم است طریق این راوی بر اساس مبانی جرح و تعدیل رجالیان اهل سنت به ضعف محکوم می‌شود.

۲-۱-۱-۳. طریق ابی سفر

«ابی سفر» همان «سعید بن یحمد الهمدانی الثوری»^۱ (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۴۲) کوفی است. او را ثقه و متوفای ۱۱۳ق دانسته‌اند (مرّی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۶۷؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۷۰). در منابع رجالی شیعه شرح حالی از او نیست جز آن‌که در طبقه‌ی راویان امام علی (ع) از او نام برده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۸۹). بنابراین می‌توان ادعای سماع او از امام علی (ع) را کاذب ندانست. لکن راوی «ابی سفر» در طرق روایات امام علی (ع)، «خلف بن حوشب» است.

۲-۱-۱-۴. طریق شعبی

بسیاری از احادیث «عامر بن شراحیل الشعبی» از امام علی (ع) با واسطه‌ی افرادی دیگر همچون زید و حارث است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۸ق، ۱۶۰؛ دارقطنی، ۱۴۰۵ق، ۱۶۰-۲۵۳). او را متوفای ۱۰۳ تا ۱۱۰ق دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۳۱۸). رجالیان اهل سنت «شعبی» را توثیق کرده، ثقه و فاضل می‌دانند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۲۹۴؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۸۷) ولی رجالیان شیعه او را ضعیف و عامی دانسته‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۹۹). در طبقه‌ی راویان پیامبر (ص) و امام علی (ع) است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۲: ۲۲۲؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۷۴).

از شرح حال رجالی «علی بن بذیمه» در منابع رجالی شیعه اطلاعاتی وجود ندارد، ولی رجالیان اهل سنت او را ثقه دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۳۹۸). راوی واسطه‌ی میان «شعبی» و «حجاج بن ارطاه» نیز مجهول است. بنابراین طریق شعبی از نظر رجال شیعه در هر دو طریق یاد شده از او، ضعیف محسوب می‌شود. براساس مبانی اهل سنت نیز به علت متهم به کذب و متروک الحدیث بودن «السری بن عاصم» (خطیب بغدادی،

۱. او را «سعید بن محمد» نیز آورده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۸۹).

۱۴۱۷ق، ۹: ۱۹۱) و نیز مجهول بودن طبقه‌ی قبل از «حجاج بن ارطاه» اسناد این دو حدیث محکوم به ضعف‌اند.

۲-۱-۱-۵. طریق عمر بن شرحبیل

«ابومیسرة عمر بن شرحبیل الهمدانی الکوفی»^۱ از راویان امام علی (ع)، عمر بن خطاب و ابن مسعود بوده است. رجالیان او را ثقه و متوفای سال ۶۳ق دانسته‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۲۳۷؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۵: ۱۶۸؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۴۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۲۲). ولی نام «خلف بن حوشب» در شمار هیچ‌یک از راویان او نیامده است. «عمر بن شرحبیل» در منابع رجالی شیعه فاضل و از اصحاب ابن مسعود نام برده شده است (خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۳: ۴۰). در میان راویان طریق او «منصور بن دینار» را رجالیان ضعیف الحدیث خوانده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۴: ۱۷۱). بنابراین طریق این حدیث به علت ضعف «منصور بن دینار» ضعیف خواهد بود.

۲-۱-۱-۶. طریق سیار ابو حمزه

«سیار ابو حمزة الکوفی» را مقبول خوانده‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۲) ولی او ابوبکر را درک نکرد، لذا نمی‌تواند از طبقه‌ی ابوبکر و امام علی (ع) نقل روایت کند (ابن ابی حاتم، بی‌تا: ۲: ۲۵۵؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ۱۲: ۳۱۵). اطلاعاتی در باب توثیق یا تضعیف او و سال وفاتش در دست نیست جز آن‌که نامش در کتاب الثقات آمده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۶: ۴۲۱). در منابع رجالی شیعه نیز اطلاعاتی از «سیار ابو حمزه» وجود ندارد. رجالیان اهل سنت راوی او «صلت بن بهرام» کوفی را توثیق کرده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۲: ۴۳۸). بنابراین با توجه به عدم اثبات سماع «سیار ابو حمزه» از امام علی (ع) می‌توان طریق او را ضعیف دانست.

۲-۱-۱-۷. طریق مخلص بن قیس

بر اساس آنچه ابن عساکر از دارقطنی نقل کرده راوی «مخلص بن قیس عجلی»، «سیف بن عمر» است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۴: ۳۴۳) و نه «یوسف بن عمر»؛ علاوه بر آن «شعیب بن ابراهیم» نیز ناقل کتب «سیف بن عمر» است البته «شعیب بن ابراهیم» را ناشناخته ۱. نام او در برخی از کتب رجالی به سه صورت «عمرو بن شرحبیل الهمدانی» (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۲۳۷؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۴۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۲۲)، «عمر بن شرحبیل» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۱۳۵) و «عمرو بن شراحیل» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۵: ۱۶۸) نیز ضبط شده است که صورت نخست آن صحیح است.

دانسته‌اند و اطلاعات رجالی از او یافت نشد (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۲۷۵). دارقطنی و دیگر رجالیان «سیف بن عمر» را ضعیف و دارای حدیث متروک دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۳۵). همچنین درباره‌ی «مخلد بن قیس» و پدرش در کتب رجالی اهل سنت و شیعه هیچ اطلاعاتی یافت نشد، جز آن‌که در برخی اسناد احادیث نام آن‌ها ذکر شده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۳: ۱۲۵۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۴: ۳۴۳). بنابراین این دو راوی مهمل و ناشناخته بوده و احادیثی که از طریق این راوی در کتاب فضائل الصحابه ذکر شده محکوم به ضعف هستند.

۸-۱-۱-۲. طریق علی بن عمر بن علی بن الحسین

رجالیان شیعه او را در شمار اصحاب امام صادق (ع) نام برده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۴۴؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۲: ۱۰۳) ولی توثیق یا تضعیف این راوی در منابع رجالی شیعه و اهل سنت یافت نشد. بنابراین به علت مهمل بودن این راوی طریق وی محکوم به ضعف است.

۲-۲. احادیث امام باقر (ع)

تعداد قابل توجهی از احادیث کتاب فضائل الصحابه از امام باقر (ع) روایت شده‌اند. می‌توان «کثیرالنواء» را به عنوان حلقه‌ی مشترک در ۴ طریق از ۲۱ حدیث منقول از امام باقر (ع) محسوب نموده و «جابر» و «عمرو بن شمر» را نیز هریک حلقه‌ی مشترک دو طریق از اسناد احادیث منقول از امام باقر (ع) در نظر گرفت.

۲-۲-۱. اعتبارسنجی و تحلیل

راوی ۵ روایت از احادیث امام باقر (ع)، فرزندشان امام صادق (ع) بوده و «کثیرالنواء» راوی مشترک در ۴ سند، «سالم بن ابی حفصه» در ۳ سند و «عمرو بن شمراپی عبدالله الجعفی» در ۲ سند به عنوان حلقه‌ی مشترک حضور دارند.

۲-۲-۱-۱. طریق کثیرالنواء

«کثیر بن قاروند ابواسماعیل النواء» از اهالی کوفه است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۷: ۳۵۳) به او ابن نافع، النواء و ابن اسماعیل نیز گفته می‌شود. از امام باقر (ع) حدیث نقل کرده و «ابوعقیل یحیی بن متوکل» نیز از روایان اوست (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۱۵۹؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۴۱۱).

نسایبی او را ضعیف دانسته ولی در موضعی دیگر در آن تردید کرده است، او را منحرف و غالی افراط‌پیشه‌ی شیعی معرفی نموده‌اند، لکن ابن حبان او را در میان ثقات ذکر کرده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۷: ۳۵۳). عجللی گفته اشکالی به او وارد نیست و گفته شده «کثیرالنواء» از دنیا رفت تا آن‌که از تشیع برگشت (مرزّی، ۱۴۰۶ق، ۲۴: ۱۰۳؛ ذهبی، ۱۴۲۵ق، ۷: ۴۳۶؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۴۱۱).

اکثر رجالیان اهل سنت او را ضعیف می‌دانند (نسایبی، ۱۳۹۶ق، ۵۳۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۵۹). رجالیان شیعه نیز «کثیرالنواء» بتری را عامی مذهب و از طبقه‌ی اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) می‌دانند (حلی، ۱۳۸۱ش، ۳۴۶؛ نمازی‌شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ۶: ۳۰۱). در نهایت این ۴ طریق به سبب ضعف «کثیرالنواء» براساس مبانی رجالی اهل سنت و شیعه محکوم به ضعف‌اند.

۲-۲-۱-۲. طریق حکیم بن جبیر

«حکیم بن جبیر الاسدی» کوفی را اهل سنت مضطرب و دارای حدیث ضعیف خوانده‌اند (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۳۰؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۲: ۴۴۵ و ۴۴۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۷۶). دارقطنی درباره‌ی او لفظ متروک را به کار برده و برخی او را کذاب و شیعی دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۳۴۹ و ۳۵۰). این راوی در شمار روایان امام باقر (ع) یافت نشد ولی در طبقه‌ی روایان امام سجاد (ع) است (خویی، ۱۳۷۲ش، ۶: ۱۸۵). درباره‌ی توثیق و تضعیف «حکیم بن جبیر» در منابع رجالی شیعه اطلاعاتی یافت نشد. بنابراین براساس مبانی رجالی شیعه و اهل سنت، طریقی که «حکیم بن جبیر» در آن حضور دارد ضعیف است.

۲-۲-۱-۳. طریق سالم بن ابی حفصه

در شبکه‌ی اسناد احادیث امام باقر (ع) سه حدیث از طریق «سالم بن ابی حفصه» نقل شده‌اند که رجالیان اهل سنت او را توثیق نکرده‌اند و ازغالیان و افراتیان شیعه خوانده‌اند (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۴۳؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۰۷). ضعیف‌الحدیث است ولی یحیی بن معین او را ثقه دانسته (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۲: ۱۸۰) بنابراین برخی از رجالیان او را صدوق در حدیث می‌دانند و طعن به مذهب تشیع او وارد می‌سازند (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۰۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۲۶). وثاقت او قابل اثبات برای شیعه نیست، زیرا از رؤسای بتریه نام برده شده‌است (کشی، ۱۴۰۴ق، ۴۹۹-۵۰۱؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۲۷). بنابراین طریق حدیثی که «سالم بن ابی حفصه» در آن حضور دارد بر اساس مبانی اهل سنت و شیعه ضعیف تلقی می‌شود.

۲-۲-۱-۴. طریق عبدالرحمن بن ابی الموالی

«عبدالرحمن بن ابی الموالی» نامش زید است. رجالیان درباره‌ی او لفظ صدوق را به کار برده و گفته‌اند اشکالی به او وارد نیست (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۲: ۲۹۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۳۵۱). او از جمله راویان ثقه‌ی امام باقر (ع) است (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۶: ۲۸۲). رجالیان شیعه او را از راویان امام صادق (ع) و مولی بنی هاشم و مدنی برشمرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۳۵؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۹: ۲۹۹).

در این طریق رجالیان اهل سنت «محمد بن عمر بن واقد الاسلمی» را متوفای ۲۰۷ق، دارای حدیث متروک و ضعیف دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۹۸). در منابع رجالی شیعه شرح حالی از او یافت نشد. بنابراین طریقی که این راوی در آن حضور دارد محکوم به ضعف است.

۲-۲-۱-۵. طریق محمد بن اسحاق

«محمد بن اسحاق یسار المدنی» را عده‌ای از رجالیان توثیق کرده و صدوق دانسته‌اند و عده‌ای دیگر او را تضعیف کرده و دروغ‌گو خوانده (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۱۹۱؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۴۱؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۳۴؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۶: ۵۶) و گفته‌اند شیعه‌ی مدلس است (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۶۷). در میان راویان او نام «یونس بن بکیر» وجود ندارد. او متوفای سال ۱۵۱ق (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۱۴۴) و در شمار طبقه‌ی راویان امام باقر (ع) محسوب می‌شود (برقی، ۱۴۳۰ق، ۷۷؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۱۴۴).

رجالیان شیعه او را عامی مذهب دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۱۴۴؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۵۰ و ۲۵۴). با توجه به وجود جرح رجالیان در خصوص این راوی، سندی که «محمد بن اسحاق یسار» در آن واقع شده باشد محکوم به ضعف است.

۲-۲-۱-۶. طریق بسام بن عبدالله

«بسام بن عبدالله الصیرفی» کوفی و راوی امام باقر (ع)، ثقه و صالح الحدیث است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۴۴۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۲۱). رجالیان شیعه او را از راویان امام باقر (ع) و ممدوح دانسته‌اند (برقی، ۱۴۳۰ق، ۱۵؛ ابن داود، ۱۳۴۲ش، ۶۹). «اسحاق بن یوسف الازرق الواسطی» در شمار راویان او یافت نشد (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۸: ۶۳). «علی بن حسین بن اشکاب» از جمله راویان «اسحاق بن ازرق» و بر اساس منابع رجالی اهل سنت ثقه است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۱۷۹).

لیکن اطلاعاتی از «علی بن حسین بن اشکاب» در منابع رجالی شیعه وجود ندارد. رجالیان اهل سنت «اسحاق بن یوسف الازرق» را ثقه و صدوق خوانده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۲۳۸) ولی نام «اسحاق بن یوسف الازرق» نیز در منابع رجالی شیعه یافت نشد («احمد بن محمد بن ابی بکر» متوفای ۲۶۴ق، ثقه و صدوق است، روایتش از «علی بن حسین بن اشکاب» ثابت شده نیست (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۵: ۱۶۴). با توجه به منابع رجالی اهل سنت، راویان این سند همگی توثیق شده‌اند؛ لکن این سند ضعیف محسوب می‌شود زیرا اتصال سلسله‌ی راویان اثبات نمی‌شود.

۲-۲-۱-۷. طریق عیسی بن دینار

«عیسی بن دینار المؤذن الخزاعی» کوفی، ثقه (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۲۱۰؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۳۸) و از جمله راویان امام باقر (ع) است (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۲۱۰) ولی «فضل بن دکین» در شمار راویان او وجود نداشت. رجالیان اهل سنت «ابونعیم فضل بن دکین» متوفای ۲۱۸ق را توثیق کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۱۴۲؛ ذهبی، ۱۴۱۱ق، ۴۴۶).

دیگر راویان این سلسله سند نیز چنانچه پیشتر گذشت توثیق شده‌اند؛ لذا سند از لحاظ شرح حال رجالی راویان مشکلی ندارد ولی به علت عدم اثبات اتصال در این طریق، سند محکوم به ضعف است. بعلاوه نام «عیسی بن دینار» در هیچ یک از منابع رجالی شیعه یافت نشد.

۲-۲-۱-۸. طریق جابر بن یزید

«جابر بن یزید بن الحارث الجعفی الکوفی» در شمار راویان امام باقر (ع) و شیعی مذهب است که برخی از رجالیان او را مدح و عده‌ای دیگر تضعیف نموده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۴۹۷؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ۴: ۴۶۵-۴۷۰؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۱۰۳) ذهبی در جای دیگر او را ضعیف و رافضی خوانده است (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۳۷). همچنین «عمرو بن شمر» از جمله راویان او، ضعیف و منکر الحدیث معرفی شده است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۲۳۹).

بنابراین دو حدیثی که از طریق «جابر» نقل شده‌اند بر اساس مبانی رجالی اهل سنت ضعیف محسوب می‌شوند. رجالیان شیعه جابر بن یزید جعفی را توثیق کرده‌اند ولی برخی از الفاظ جرح نیز درباره‌ی او در منابع وجود دارد (کشی، ۱۴۰۴ق، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۳، ۴۴۶، ۴۶۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۲۸). با توجه به این نکته و همچنین ضعف «عمرو بن شمر» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۲۸، ۲۸۷؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ۷۴؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۴۱) سند این حدیث براساس مبانی رجالی شیعیان نیز ضعیف است.

۲-۲-۱-۹. طریق عرو بن عبد الله

«عرو بن عبد الله بن قشیر ابو مهمل الجعفی کوفی» از جمله راویان امام باقر (ع) و ثقه است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۳۹۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۳۸۹). روایت «عمرو بن شمر ابو عبد الله الجعفی» از او ثابت شده نیست. لذا اتصال سند در این قسمت قابل اثبات نیست.

«عمرو بن شمر» کوفی را رجالیان شیعه و اهل سنت تضعیف کرده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۳: ۲۳۹؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۳۲۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۲۸، ۲۸۷؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ۷۴؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۴۱) و دارقطنی نیز او را متروک می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۲۲۸). در میان راویان او نام «یونس بن بکیر» و «معاویه بن هشام» یافت نشد. اگرچه رجالیان اهل سنت «یونس بن بکیر» و «معاویه بن هشام» را توثیق کرده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۴: ۳۸۵؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۲۴۵). با توجه به نکات فوق و ضعف «عمرو بن شمر» طریق این راوی ضعیف است.

۲-۲-۱-۱۰. طریق سفیان بن عینه

«سفیان بن عینه بن ابی عمران الهلالی» کوفی، امام، ثقه، حافظ، فقیه و حجة است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۲: ۲۲۷؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۶: ۴۰۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۹: ۱۷۴؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۴۵).

رجالیان اهل سنت «سفیان بن عیینه» را یکی از ثقاتی دانسته‌اند که امت بر احتجاج به او اجماع دارند (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۲۴۷). در منابع رجالی شیعه اطلاعاتی درباره‌ی توثیق و تضعیف «سفیان بن عیینه» وجود ندارد و تنها به عامی بودن او اشاره نموده‌اند (حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۲۸). «عقبه بن مکرم الضبی الهلالی الکوفی» را متوفای سال ۲۳۴ق، صدوق و از جمله راویان «سفیان بن عیینه» دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۱۷۸). «محمد بن یحیی بن ابی عمر» را رجالیان اهل سنت راوی «سفیان بن عیینه»، ثقه، امام و متوفای سال ۲۴۳ق دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۹۷).

در منابع رجالی شیعه درباره‌ی «عقبه بن مکرم الضبی» و «محمد بن یحیی بن ابی عمر» شرح حالی وجود ندارد. «هارون بن یوسف ابواحمد الشطوی» متوفای سال ۳۰۳ق راوی «ابی ابی عمر» شمرده شده و او را امام و فاضل خوانده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۲۹؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۲۶۲). «عمر بن احمد بن مهدی» پدر دارقطنی را اهل سنت ثقه دانسته و راوی «هارون بن یوسف» و «ابراهیم بن شریک» خوانده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۱: ۲۳۸). «ابراهیم بن شریک بن الفضل ابواسحاق الاسدی الکوفی» را نیز ثقه و متوفای سال ۳۲۰ق دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۶: ۱۰۰).

در منابع رجالی شیعه شرح حالی از «عمر بن احمد بن مهدی» و «هارون بن یوسف» و «ابراهیم بن شریک» یافت نشد. لذا این دو طریق به علت مهمل و مجهول بودن راویان بر اساس مبانی رجالی شیعه ضعیف تلقی خواهد شد. لکن سند این دو حدیث بر اساس مبانی رجالی اهل سنت صحیح است.

۲-۲-۱-۱۱. طریق یحیی بن کثیر

برخی از رجالیان اهل سنت «یحیی بن کثیر الاسدی الکوفی» را توثیق و عده‌ای او را تضعیف کرده‌اند (ذهبی، ۱۳۲۵ق، ۱۱: ۲۶۷؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۷: ۲۱۴). در منابع رجالی شیعه اطلاعاتی از این راوی وجود ندارد. با توجه به این نکات طریق «یحیی بن کثیر» به علت وجود جرح و نیز مهمل یا مجهول بودن او در منابع رجالی، محکوم به ضعف است.

۲-۲-۱-۱۲. طریق مسعدة بن الیسع

رجالیان اهل سنت «مسعدة بن الیسع بن قیس الباهلی» را تضعیف کرده و احادیث او را متروک خوانده‌اند دارقطنی نیز او را ضعیف دانسته است (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۱۱۶؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۶: ۴۰۶). در منابع رجالی شیعه شرح حالی از توثیق یا تضعیف این راوی

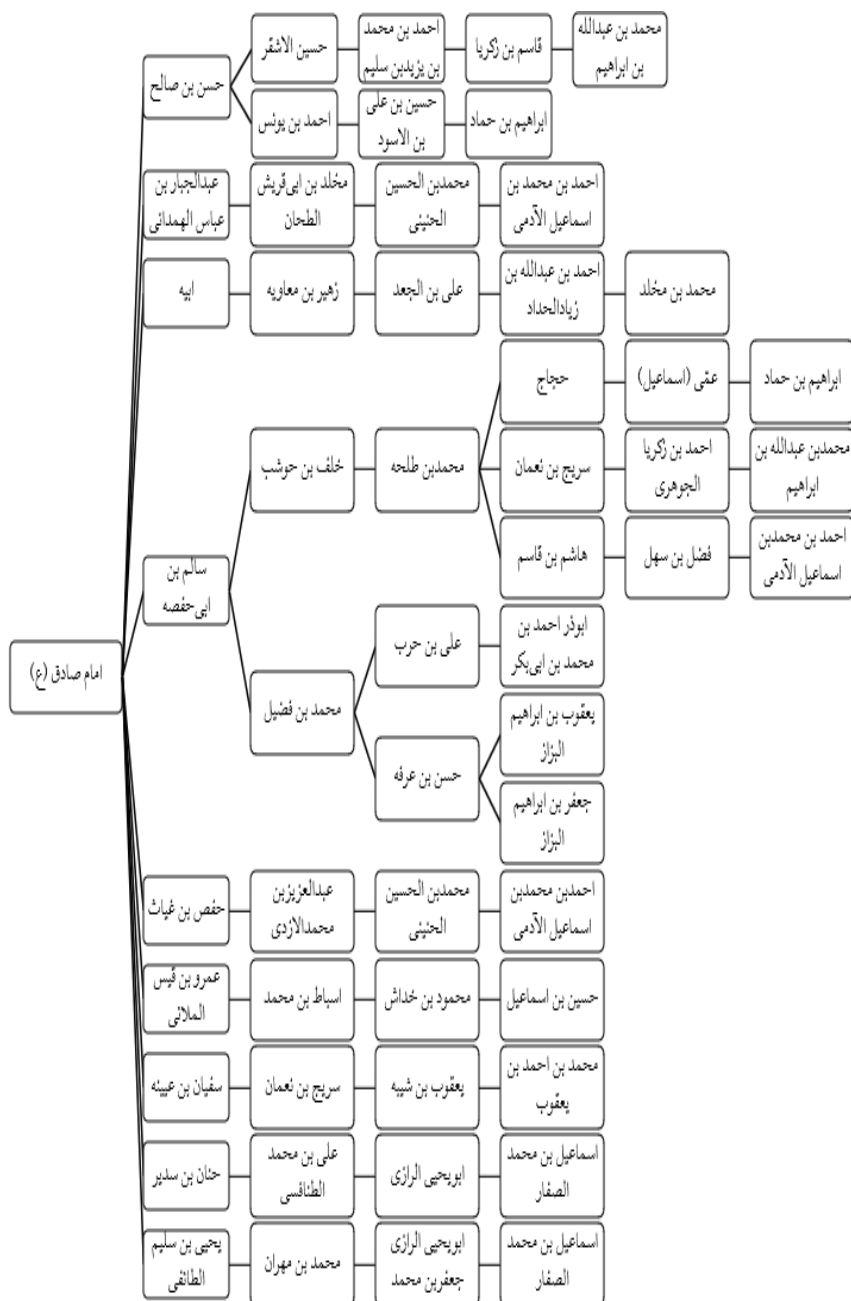
وجود ندارد، لکن در شمار اصحاب امام صادق (ع) شمرده شده است (برقی، ۱۴۳۰ق، ۳۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۶). او را دارای کتاب دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۱۵). بنابراین سند این حدیث به علت ضعف «مسعده بن الیسع» در منابع رجالی اهل سنت و نیز مهمل بودن وی در منابع رجالی شیعه ضعیف است.

۲-۱-۲-۱۳. طریق بشیر بن میمون

«بشیر بن میمون الخراسانی» را رجالیان اهل سنت تضعیف کرده و دارقطنی حدیث او را متروک می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۴۵؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۴۴). درباره‌ی شرح حال رجالی این راوی در منابع رجالی شیعه اطلاعاتی وجود ندارد. بنابراین طریق این راوی بر اساس مبانی رجالی شیعه و اهل سنت به سبب مهمل و ضعیف بودن «بشیر بن میمون» محکوم به ضعف است.

۲-۳. احادیث امام صادق (ع)

علاوه بر احادیثی که بطور مستقیم در کتاب فضائل الصحابه از امام صادق (ع) نقل شده‌اند؛ تعدادی از احادیث در کتاب فضائل الصحابه به نقل از ایشان وجود دارد که از پدرشان یعنی امام باقر (ع) نقل کرده‌اند. اسناد ۵ روایتی که امام صادق (ع) از امام باقر (ع) نقل کردند، در بخش احادیث امام باقر (ع) تحلیل و بررسی شد.



نمودار ۴- اسناد احادیث امام صادق (ع)

۲-۳-۱. اعتبارسنجی و تحلیل

از میان ۱۵ حدیثی که به طور مستقیم از امام صادق (ع) در کتاب ذکر شده است، شش حدیث از طریق «سالم بن ابی حفصه» و دو حدیث از طریق «حسن بن صالح» نقل شده اند.

۲-۳-۱-۱. طریق سالم بن ابی حفصه

«سالم بن ابی حفصه» در ۶ طریق از سلسله اسناد احادیث امام صادق (ع) حضور دارد. «سالم بن ابی حفصه العجلی» را رجالیان اهل سنت توثیق نکرده اند و از غالیان و افراطیان شیعه خوانده اند (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۴۳؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۰۷). ضعیف الحدیث است ولی یحیی بن معین او را ثقه دانسته (ابن ابی حاتم، بی تا، ۲: ۱۸۰)، برخی از رجالیان او را صدوق در حدیث می دانند و طعن به مذهب تشیع او وارد می سازند (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۰۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۲۶). رجالیان اهل سنت او را از راویان امام صادق (ع) نام نبرده اند.

به علاوه نامی از «خلف بن حوشب» در زمره راویان او نیست ولی «محمد بن فضیل» را راوی او گفته اند (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۶۲). او را زیدی، بتری و فاسد المذهب دانسته اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۵۰۱-۴۹۹ و ۵۰۵). «سالم بن ابی حفصه» کوفی و متوفای ۱۳۷ق است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۱۷) او را در طبقه ی اصحاب امام باقر (ع) (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۸) و امام صادق (ع) (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۱۷) و امام سجاد (ع) (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۱۱۵) دانسته اند. وثاقت او قابل اثبات برای شیعه نیست، زیرا از رؤسای بتریه است. بنابراین، احادیثی که از طریق «سالم بن ابی حفصه» نقل شده اند از نظر رجالیان اهل سنت و شیعه، ضعیف اند.

۲-۳-۱-۲. طریق حسن بن صالح

«حسن بن صالح بن حی الهمدانی» کوفی، فقیه و عابد که «ابونعیم» از جمله راویان اوست. رجالیان اهل سنت او را ثقه، مأمون، متقن و مستقیم الحدیث خوانده اند (ابن ابی حاتم، بی تا، ۱: ۱۸؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۳۰۹؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۳۶۷). مذهب او شیعه بوده است (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۱). رجالیان شیعه «حسن بن صالح» را ضعیف و زیدی مذهب دانسته اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۱۳۰؛ کشی، ۱۴۰۴ق، ۴۹۹؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۱۵).

«حسین بن حسن الاشقر» را رجالیان اهل سنت منکر الحدیث و ضعیف گفته‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۴۹). در منابع رجالی شیعه نیز شرح حالی از این راوی به دست نیامد؛ بنابراین طریق این راوی به سبب جرح او توسط رجالیان ضعیف است.

۲-۳-۱-۳. طریق عبدالجبار بن عباس

«عبدالجبار بن عباس الهمدانی الشبامی الکوفی» را غالی و دارای سوء مذهب گفته (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۲۶)، درباره‌اش عبارت «لابأس به» را به کار برده (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۶: ۱۰۲) و صدوق و شیعه معرفی کرده‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۳۳۲). عده‌ای او را دروغگو خوانده (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۸۲) ولی ابی حاتم او را ثقه دانسته است (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۴: ۲۳۹). در منابع رجالی شیعه نیز از اصحاب امام صادق (ع) است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۴۲؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۹: ۲۶۱) ولی اطلاعاتی از توثیق و تضعیف او در منابع شیعی یافت نشد. بدین ترتیب طریق این راوی محکوم به ضعف خواهد بود.

۲-۳-۱-۴. طریق معاویه بن حدیج

«معاویه بن حدیج» در برخی کتب فقط به این که پدر ابوخیثمه است اشاره شده است (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۱۰: ۲۰۴؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۵۳۷). پدرش «زهیر بن معاویه بن حدیج بن الرحیل أبوخیثمه الجعفی الکوفی» که از جمله راویان ثقه (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۲۵؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۱۸) امام، حافظ و محدث (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۸: ۱۸۱) است؛ از جمله راویان او شمرده شده است. «معاویه بن حدیج» را از راویان امام باقر (ع) معرفی کرده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۴: ۳۸۷). شرح حال دیگری از «معاویه بن حدیج» در منابع رجالی اهل سنت وجود ندارد و مدح و قدحی از او در دست نیست. شرح حالی از این راوی در منابع شیعی نیز وجود ندارد؛ لذا طریقی که وی در آن قرار دارد ضعیف است.

۲-۳-۱-۵. طریق حفص بن غیاث

نام «حفص بن غیاث النخعی» در کتاب الثقات آمده (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۸: ۴۴۵)، متقن و حافظ نام برده شده است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۱۸۵). او ثقه، فقیه و قاضی کوفه بود (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۲۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۷۳) ولی «عبدالعزیز الازدی» در شمار راویان او نیست. «محمد بن الحسین الحنینی» متوفای سال ۲۷۷ق را اهل سنت ثقه و صدوق نامیده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۲۲۲). منابع رجالی شیعه «حفص بن غیاث» را

متوفای سال ۱۹۴ق و دارای کتابی مورد اعتماد دانسته‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۶۸۸؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۱۳۳؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۱۸). ولی به علت عدم اثبات اتصال در این سند، حدیث این طریق محکوم به ضعف است.

۲-۳-۱-۶. طریق عمرو بن قیس

«عمرو بن قیس الملائئ البزاز» ثقه، متقن، عابد و صدوق است (ابن ابی حاتم، بی تا، ۳: ۲۵۴؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۷: ۲۲۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۲: ۱۶۳؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۶: ۲۵۰؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۲۶). کوفی بوده و «اسباط بن محمد» از جمله راویان او و ثقه است (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۶: ۲۵۰؛ ۹: ۳۵۵؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۹۲). او را در طبقه‌ی اصحاب امام صادق (ع) دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۴۷) ولی اطلاعاتی درباره‌ی توثیق و تضعیف او در منابع شیعه یافت نشد. «محمود بن خدّاش» را نیز رجالیان اهل سنت ثقه دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۱۷۹) و در شمار راویان «اسباط بن محمد» از او نام نبرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۵۵). بنابراین سند به علت عدم اثبات اتصال در طریق، ضعیف است.

۲-۳-۱-۷. طریق سفیان بن عیینه

چنانچه شرح حال این راوی پیشتر گذشت؛ «سفیان بن عیینه بن ابی عمران الهلالی» کوفی، امام، ثقه، حافظ، فقیه و حجة است (ابن ابی حاتم، بی تا، ۲: ۲۲۷؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ش، ۶: ۴۰۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۹: ۱۷۴؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۲۴۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۴۵). «سریج بن نعمان» در شمار راویان او نیست (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۸: ۴۵۷). ولی رجالیان «سریج بن نعمان» را ثقه دانسته‌اند (ابن ابی حاتم، بی تا، ۲: ۳۰۴؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۲۱۹). به علت عدم اثبات اتصال طریق، سند این حدیث محکوم به ضعف خواهد بود. در منابع رجالی شیعه نیز اطلاعاتی درباره‌ی توثیق و تضعیف «سفیان بن عیینه» وجود ندارد و تنها به عامی بودن او اشاره نموده‌اند (حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۲۸).

۲-۳-۱-۸. طریق حنان بن سدید

«حنان بن سدید بن حکیم بن صهیب الصیرفی الکوفی» را دارقطنی از شیوخ شیعه دانسته (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۸: ۸۶) و رجالیان اهل سنت او را مشهور به نقل مناکیر دانسته‌اند که سخنانش پذیرفته نیست (عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۳۶۷). بنابراین طریق این راوی در اهل سنت

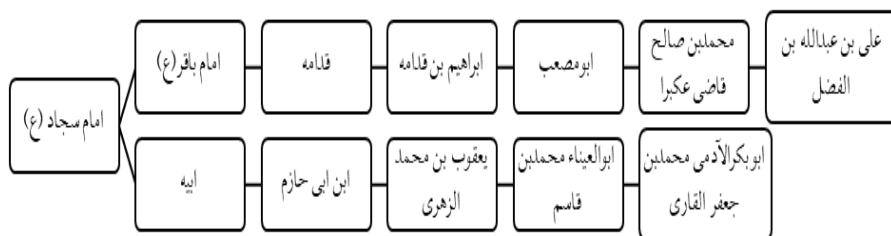
ضعیف است. در منابع رجالی شیعه «حنان بن سدير» ثقه و غیر امامی (واقفی مذهب) نام برده شده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۶۴؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۴؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۱۸). وی را در شمار اصحاب امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) نام برده‌اند (برقی، ۱۴۳۰ش، ۴۶، ۴۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۴؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۱۸). علی‌رغم نیاز به بررسی دیگر رجالیان این سلسله سند با توجه به مبانی رجالی شیعه، سند این روایت با توجه به غیر امامی بودن این راوی صحیح نمی‌باشد.

۲-۳-۱-۹. طریق یحیی بن سلیم

عده‌ای درباره‌ی «یحیی بن سلیم الطائفی الحذاء الخراز» عبارات «لیس بقوی» و «لا یحتج به» را گفته و عده‌ای او را صدوق (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۵۹۱) و ثقه می‌دانند (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۷: ۶۱۵؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۲۱۹؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۱۹۶؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۷: ۱۸۷؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۱۱: ۲۲۶). با دو واسطه از پیامبر (ص) و یک واسطه از امام علی (ع) نقل روایت داشته است. او را از اصحاب امام صادق (ع) دانسته‌اند (برقی، ۱۴۳۰ق، ۳۱؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۲۰: ۵۵). در منابع شیعه اطلاعات دیگری از توثیق و تضعیف این راوی وجود ندارد. نام «محمد بن مهران» نیز در میان راویان او ذکر نشده است (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۴: ۱۵۶). لذا با توجه به وجود اقوال متفاوت درباره‌ی «یحیی بن سلیم»، طریق این راوی ضعیف است.

۲-۴. احادیث امام سجاد (ع)

دو حدیثی که از امام سجاد (ع) در این کتاب نقل شده‌اند، در نمودار ذیل قابل ملاحظه‌اند:



نمودار ۵- اسناد احادیث امام سجاد (ع)

۲-۴-۱. اعتبارسنجی و تحلیل

دو حدیث منقول از امام سجاد (ع) هر دو به صورت خطی و افقی هستند؛ لذا در این دو حدیث، حلقه‌ی مشترک حقیقی و یا ظاهری وجود ندارد.

۲-۴-۱-۱. طریق قدامه بن ابراهیم

از «قدامه بن ابراهیم جمحی» هیچ جرح و تعدیلی در کتب رجالی ذکر نشده ولی نامش در کتاب الثقات آمده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۵: ۳۱۹؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۳۶۳). کوفی و از طبقه اصحاب امام صادق (ع) است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۷۲). فرزند او ابراهیم فردی ناشناخته بوده (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۹۲) و تنها یک قول راجع به این راوی در کتب رجالی یافت شد که گفته‌اند «لیس بحجة» (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۲۹۹). در کتب رجالی شیعه اطلاعاتی در خصوص حال رجالی «قدامه بن ابراهیم» و پسرش وجود ندارد. پس این طریق در زمره‌ی طرق ضعیف محسوب می‌شود.

۲-۳-۱-۲. طریق ابن ابی حازم

از «ابن ابی حازم» و پدرش اطلاعاتی یافت نشد جز آن که در شمار مشایخ «یعقوب بن محمد الزهري» از «ابی حازم الدراوردی» نام برده شده است (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۱۱: ۳۹۶). بدین ترتیب حدیثی که از طریق این راوی نقل شود را رجالیان اهل سنت و شیعه به علت مهمل بودن راوی ضعیف می‌دانند.

۳. احادیث خاندان شیعی؛ اعتبارسنجی و تحلیل

همان‌طور که از نمودار ۱ پیداست، در کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی به جز ائمه‌ی شیعه، احادیث ۹ تن دیگر از فرزندان و خاندان ائمه شیعه نیز ذکر شده است که به اجمال صحت‌سنجی اسناد احادیث این افراد نیز به ترتیب تاریخی دوران حیات ایشان بیان می‌شود.

۳-۱. احادیث عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

در سلسله اسناد احادیث منقول از عبدالله بن جعفر همگی از طریق امام صادق (ع) نقل شده‌اند. بنابراین با توجه به این که مبنای کتاب فضائل الصحابه نقل فضائل از لسان اهل بیت و خاندان ایشان است، احادیث این بخش را می‌توان منقول از امام صادق (ع) محسوب نموده و در طرق منقول از امام صادق (ع) حلقه‌ی مشترک را بررسی نمود. بدین

ترتیب «یحیی بن سلیم» را می توان به عنوان حلقه ی مشترک دو طریق از این احادیث دانست. مابقی احادیث منقول نیز همگی متفرد و در هر طبقه حاوی یک راوی هستند. همگی این اسناد در طبقات پس از امام صادق (ع) به شکل خطی هستند. برای این شبکه ی اسنادی حلقه ی مشترکی جز «یحیی بن سلیم» وجود ندارد که او نیز به عنوان حلقه ی مشترک در دو سند مطرح می شود.

نهایتاً با توجه به شرح حال رجالی «یحیی بن سلیم» که حلقه ی مشترک در دو سند روایت امام صادق (ع) از عبدالله بن جعفر است (ر. ک: احادیث امام صادق (ع)): «عباد بن صهیب ابو بکر التمیمی الکلبی بصری» (ابن ابی حاتم، بی تا، ۳: ۸۱؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۳۴۶؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۷۴؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۴: ۲۸)؛ «مصعب بن سلام التمیمی الکوفی» (ابن ابی حاتم، بی تا، ۴: ۳۰۷، ۳۰۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۳: ۱۰۹، ۱۱۰؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۱۰: ۱۶۱؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۵۳۳؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۶: ۴۳۶).

روایات منقول از این راویان به علت جرح رجالیان اهل سنت و مجهول یا مهمل بودن آنان در منابع شیعی محکوم به ضعف هستند. علی رغم وصف یعقوب بن شبیه دیگر راوی یکی از این روایات، به توثیق سماع او از امام صادق (ع) ثابت نمی شود. بنابراین طریق وی به سبب عدم اثبات اتصال، ضعیف تلقی می شود. طریق «سفیان بن عیینه» نیز به سبب وجود «محمد بن سلیم» (ابن ابی حاتم، بی تا، ۳: ۲۷۵) در سلسله سند تضعیف خواهد شد.

۳-۲. احادیث محمد بن حنفیه

دارقطنی دو حدیث را از «اسماعیل بن محمد الصنفار» به نقل از «محمد بن حنفیه» در کتاب فضائل الصحابه آورده که سند این دو حدیث تا طبقه ی سوم دارای تفرد است. راوی محمد بن حنفیه «سالم بن ابی الجعد رافع الاشجعی» کوفی است که در منابع اهل سنت علی رغم ثقه بودن به ارسال و تدلیس شناخته شده (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۱۰۸؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۶۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۲۲۶)، بر اساس مبانی رجالی اهل سنت، دو طریق فوق به علت وجود راوی مدلس و مرسل همچنین به سبب عدم اثبات اتصال در سلسله ی این اسناد، محکوم به ضعف خواهند بود.

۳-۳. احادیث حسن بن حسن بن علی

در کتاب فضائل الصحابه هر دو حدیث نقل شده از حسن بن حسن بن علی متفرد و

بصورت افقی هستند. منتهی این دو سند در «فضیل بن مرزوق» مشترک بوده و این راوی را می‌توان حلقه‌ی مشترک ظاهری این اسناد دانست. چنانچه گذشت برخی رجالیان او را توثیق و برخی تضعیف کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۳۴۲) و در شمار راویان او نامی از «محمد بن عبداللّه بن الزبیر بن عمر بن درهم، أبو أحمد الکوفی الزبیری» وجود ندارد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۲۱؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۵۳۰) و سند اتصال نداشته و ضعیف است. «وضاح بن حسان الانباری» راوی «فضیل بن مرزوق» است لکن رجالیان اهل سنت شرح حال رجالی او را ذکر نکرده‌اند (ابن ابی حاتم بی‌تا، ۴: ۴۱). بنابراین علاوه بر ضعف «فضیل بن مرزوق»، مهم‌ترین دلیل بودن این راوی نیز سبب ضعیف خواندن طریق وی می‌شود. پس هر دو طریق «فضیل بن مرزوق» را به سبب ضعف راویان، بر اساس مبانی رجالی اهل سنت و شیعه، می‌توان ضعیف دانست.

۳-۴. حدیث حسن بن محمد بن حنفیه

تک حدیث نقل شده از «حسن بن محمد بن حنفیه» در کتاب فضائل الصحابه به دلیل روایتگری یک نفر در هر طبقه متفرد است گرچه، چنین شیوه‌ای در نقل بعید به نظر می‌رسد که هر راوی تنها از یک شیخ نقل روایت کرده و شیخ نیز تنها برای یک نفر از شاگردان حدیث را نقل کرده باشد.

رجالیان اهل سنت راویان این سند را که شامل «حسن بن محمد بن علی بن ابی طالب، ابن محمد بن الحنفیه» (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۸: ۸۰؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۱۳۰؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۴؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۱۱: ۷۷)، «هلال بن خباب، أبو العلاء کوفی» (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۴: ۷۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۷۵؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۷: ۵۷۴؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۱۷۶)، «السّری بن یحیی بن یاس بن حرملة أبو الهیثم الشیبانی» (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۷۵) و «احمد بن عبدالله بن یونس بن عبدالله بن قیس التمیمی الیربوعی الکوفی» (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۴۵۷؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۸: ۳۴؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۸۱) توثیق کرده‌اند؛ فقط درباره‌ی «هلال بن خباب» و «احمد بن عبدالله بن یونس بن عبدالله بن قیس التمیمی الیربوعی الکوفی» در منابع شیعی اطلاعاتی یافت نشدند.

علاوه بر عدم اثبات اتصال در این سلسله سند، «القداح» که مشترک میان چند راوی است با الفاظ مختلف جرح و یا تعدیل شده است. «عبدالله بن محمد بن عماره، أبو محمد الأنصاری» که شرح حالی ندارد. «عبیدالله بن ابی زیاد القداح المکی أبو الحصین» که اکثر رجالیان او را تضعیف کردند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۲: ۳۱۵؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۶۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۳۷۱). «عبدالله بن میمون القداح» که او را تضعیف کرده و منکر الحدیث، متروک و

واهی الحدیث خوانده‌اند (ابن ابی حاتم، بی تا، ۲: ۱۷۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۴۴؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۲۰؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۶: ۴۹؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۳۲۶). «القداح أبو عثمان سعید بن سالم المکی» که توثیق شده است (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۱۹؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۱۹). «أبو الفضل موسی بن علی بن قداح الخياط» که شیخ صالحی در بغداد بوده و اطلاعات دیگری از او در دسترس نیست (سمعانی، ۱۴۱۹ق، ۴: ۴۳۷). بنابراین حدیث بر اساس مبانی رجالی اهل سنت و با وجود اختلاف نظر رجالیان در شرح حال «القداح» ضعیف تلقی خواهد شد.

۳-۵. احادیث زید بن علی

از میان ۷ حدیث منقول از زید بن علی در کتاب فضائل الصحابه، چهار حدیث از «هاشم بن برید»، یک روایت از فضیل بن مرزوق، یک روایت از محمد بن سالم و یک روایت از عیسی بن زید نقل شده است. در اسانید احادیث «زید بن علی» را روایانی وجود دارند که رجالیان اهل سنت آنان را هم توثیق و هم تضعیف کرده‌اند از جمله: علی بن هاشم که راوی هاشم بن برید است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۲: ۱۱۶؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۲۰۰؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۸: ۴۴۲) و فضیل بن مرزوق (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۳۴۲؛ عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۲۹۹؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۴: ۳۵۵)؛ لذا این احادیث با توجه به وجود الفاظ جرح برای راویان، ضعیف‌اند. علی‌رغم این که رجالیان اهل سنت «هاشم بن برید» را توثیق کرده‌اند، ولی با توجه به این که راوی «کثیر النواء» از سران فرقه‌ی بتریه، است، میزان اعتبار مرویات او نزد شیعه محل تأمل است.

درباره‌ی «عیسی بن زید» راوی دیگر زید بن علی در هیچ‌یک از منابع رجالی اهل سنت شرح حالی وجود ندارد و این راوی فردی ناشناخته و مجهول الحال است. در منابع شیعی نیز جرح و تعدیلی از او یافت نشد (برقی، ۱۴۳۰ق، ۳۰: طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۵۷؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۳: ۱۸۸). محمد بن سالم را نیز رجالیان شیعه از جمله دارقطنی تضعیف کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۶: ۱۵۸؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۳: ۶۲؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۷۹؛ ابن ابی حاتم، بی تا، ۳: ۲۷۲؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۱۵۴ و ۱۵۵). در منابع شیعه نیز جرح و تعدیلی از او نیست (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۷۴؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۶: ۱۰۶). بدین ترتیب روایات منقول از زید بن علی بر اساس مبانی شیعه و اهل سنت ضعیف هستند.

۳-۶. حدیث عمر بن علی بن الحسین

سند تک حدیث تقریباً طولانی از عمر بن علی بن الحسین به دلیل ضعف و مهمل

بودن برخی از روایان موجود در این سلسله سند همچون «فضیل بن مرزوق» که نامش در برخی احادیث کتاب فضائل الصحابه وجود دارد، این حدیث مطابق با مبانی جرح و تعدیل رجال اهل سنت، در زمره احادیث ضعیف محسوب می شود. با توجه به شرح حال «فضیل بن مرزوق» که بیان شد و وجود الفاظ جرح برای او؛ همچنین به علت ضعف «السری بن عاصم بن سهل، أبوسهل البغدادي» که دارقطنی او را ضعیف دانسته و ابن عدی او را یسرق الحدیث خوانده است (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۱۰؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۷۴) و نیز مهمل بودن برخی روایان این سند در منابع شیعی (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۵۲؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ۱۳: ۴۷)، طریق این روایت محکوم به ضعف است.

۳-۷. احادیث عبدالله بن حسن

مقصود از او «عبدالله بن حسن مثنی» یعنی همان عبدالله محض و پدر نفس زکیه است. از میان ۷ حدیث منقول از عبدالله بن حسن در کتاب فضائل الصحابه ی دارقطنی، سه سند از طریق «ابو خالد الأحمر» نقل شده است. بقیه ی احادیث عبدالله بن حسن، خطی و افقی بوده و در هر طبقه فقط یک راوی ناقل آن است. نام «حفص بن قیس» در هیچ یک از منابع رجالی شیعه و اهل سنت وجود ندارد. رجالیان «سلیمان بن حیان، أبو خالد الأحمر الأزدی الکوفی» را ثقه دانستند (ابن ابی حاتم، بی تا، ۲: ۱۰۶؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۹: ۲۲-۲۴؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۱۹) لکن روایتگری «یعلی بن عبید» و «حسین الجعفی» از او و روایتگری او از عبدالله بن حسن ثابت شده نیست (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۲۰) و طرق او به علت عدم اتصال ضعیف است. در منابع شیعه نیز شرح حالی از «ابو خالد الأحمر» وجود ندارد.

«عمار الضبی» مشترک میان دو راوی «عمار بن سیف الضبی» و «عمار بن زریق الضبی الکوفی» است به علت وجود جرح برای «عمار بن سیف» (ابن ابی حاتم، بی تا، ۳: ۳۹۳؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۷۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۲۰۱؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۰۷) سند ضعیف می شود. شرح حال رجالی هیچ یک از این دو راوی در منابع رجالی شیعه وجود ندارد و البته روایتگری هیچ یک از «عبدالله بن حسن» ثابت شده نیست. «عمر بن قاسم» در هیچ یک از منابع رجالی شیعه و اهل سنت یافت نشد؛ احتمال می رود راوی مورد نظر «عمرو بن قاسم بن حبیب التّم ارکوفی» باشد (ابن ابی حاتم، بی تا، ۳: ۲۵۶) که رجالیان او را تضعیف کرده اند (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۱۳۳؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۲۳۱). منابع شیعه «عبدالله بن حسن بن علی» را زیدی مذهب خوانده اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۶۳۲) و در میان روایان او «حسن بن صالح» بتری مذهب وجود دارد، بر این اساس احادیث منقول از این روایان را نمی توان بر اساس

مبانی امامیه در زمره روایات معتبر دانست. بعلاوه احادیث این راویان به علت جرح رجالیان شیعه و اهل سنت ضعیف هستند.

۳-۸. حدیث ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی

در منابع رجالی شیعه توثیق و تضعیفی از «ابراهیم بن الحسن المثنی» که برادر نفس زکیه «محمد بن عبدالله» و پسر عبدالله محض است و «محمد بن عبدالله بن الزبیر بن عمر بن دهم، أبو أحمد الکوفی الزبیری» و «فضل بن سهل بن ابراهیم» وجود ندارد. بنابراین تک حدیث منقول از «ابراهیم بن حسن» با توجه به این که درباره‌ی «فضیل بن مرزوق» به عنوان یکی از راویان این سند، رجالیان اهل سنت هم الفاظ توثیق و هم الفاظ تضعیف را به کار برده‌اند؛ چنانچه پیشتر بیان شد، ضعیف محسوب می‌شود. همچنین مهمل یا مجهول بودن اکثر راویان این سند در منابع شیعی براساس مبانی رجالیان شیعه محکوم به ضعف است.

۳-۹. حدیث محمد بن عبدالله بن حسن بن علی

تنها یک حدیث از راوی مذکور در کتاب فضائل الصحابه نقل شده است. «محمد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی» متوفای ۱۴۵ق (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۲۷۵)، مدنی، ملقب به نفس زکیه و ثقه است (عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۴۸۷). «حبیب الاسدی» در میان راویان او ذکر نشده است (ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۶: ۲۱۰). «حبیب الاسدی» مشترک میان سه تن از راویان است. «حبیب بن حماز الاسدی» که در کتب رجالی شیعه و اهل سنت شرح حال او مشخص نیست (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۹۸). «حبیب بن النعمان الاسدی» رجالیان اهل سنت او را مقبول دانسته‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۱۰۹؛ عسقلانی، ۱۴۱۱ق، ۱۵۲) و دیگری «حبیب بن خالد الاسدی الکاهلی» که رجالیان او را تضعیف کرده‌اند (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ۱: ۹۹؛ ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۱۹۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۹۰).

«ابراهیم بن عبید الطنافسی» کوفی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۶۹) که شرح حالی از او در کتب رجالی شیعه و اهل سنت یافت نشد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۶۹؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ۸: ۳۳۶). اکثر راویان سلسله سند این حدیث مهمل و ناشناخته هستند همچنین به علت اختلاف الفاظ توثیق و تضعیف برای «حبیب الاسدی» این سند باتوجه به مبانی رجالی شیعه و اهل سنت ضعیف است.

۴. دیدگاه منتخب

با توجه به نمودار ۱، کتاب فضائل الصحابه از دوران امام کاظم (ع) به بعد حدیثی ندارد و احادیث موجود در کتاب از لحاظ تاریخی بیشتر مربوط به دوران صادقین (ع) هستند. بر اساس نمودار ۲ و بررسی رجالی راویان اسناد احادیث موجود در کتاب فضائل الصحابه؛ این احادیث طبق مبانی رجالی شیعه و اهل سنت ضعیف محسوب می‌شوند. بعلاوه در طبقه‌ی پس از امام علی (ع)، راویان در کوفی بودن تفرد دارند. در این شبکه‌ی اسناد ۷ طریق از «خلف بن حوشب» نقل شده و «ابو اسحاق السبعی» و «شعبی» نیز هر کدام حلقه‌ی مشترک دو طریق از احادیث امام علی (ع) محسوب می‌شوند.

در تحلیل سلسله‌ی اسناد احادیث امام باقر (ع)، مطابق با آنچه در نمودار ۳ مشخص است و با توجه به حضور برخی راویان در این شبکه‌ی اسنادی توضیحاتی در خصوص این راویان ضروری می‌نماید. بُتْرِیه یا بُتْرِیه یا ضبط‌های مختلف (زریاب، ۱۳۶۲ش، ۱: ۴۷۶) گروهی از زیدیان که پیرو «کثیرنواء» یا با ضبط متفاوت کثیرنواء (زریاب، ۱۳۶۲ش، ۱: ۴۷۶) و «حسن بن صالح بن حی»، از جمله طرفداران برتری حضرت علی (ع) بودند، اما آموزه‌های کلامی و فقهی آن‌ها به دیدگاه‌های اهل سنت تمایل داشت (اشعری، ۱۴۰۰ق، ۶۵؛ ابن حزم، بی‌تا، ۲: ۱۱۲) از این‌رو بت‌ریه را می‌توان به عنوان نزدیک‌ترین گروه شیعه به مبانی فکری اهل سنت نام برد (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۲۴۵).

از جمله مهم‌ترین باورهای بت‌ریه مشروعیت دادن به خلافت شیخین و جواز امامت مفضول با وجود افضل است (ابن حزم، بی‌تا، ۴: ۹۲؛ ابن مرتضی، بی‌تا، ۱: ۴۰). یکی از وجوه تسمیه این فرقه به بت‌ریه بنابر گفته ابن ادریس حلی ابتزالید بودن کثیرنواء بوده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۱۶۲، ۵۶۶)؛ وجه دیگر، خطاب زید بن علی به بزرگان بت‌ریه در محضر امام باقر (ع) است؛ آن هنگام که کثیرنواء عرضه اعتقاد در خصوص برائت از دشمنان شیخین کرد، به ایشان گفت: «بَتَرْتُمُ امْرَنَا، بَتَرْتُمُ اللّٰهَ»؛ «شما امر امامت را بدون دنباله قطع کردید خداوند نسل شما را قطع کند» (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۰۵؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ۴: ۵۴۴).

پندار بت‌ری مذهبان چنین بود که علی (ع) پس از پیامبر (ص) بهترین مردم و از همه برای امامت شایسته‌تر بود، اما بیعت با خلیفه‌ی اول و دوم نیز خطا نبوده و امام علی (ع) این امر را به ایشان واگذار کرده بود. این فرقه درباره عثمان و قاتلان او متوقف هستند و او را کافر نمی‌دانند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ۱: ۶۵).

صادقین (ع) نه تنها از بیان اختلافات نزد بتریه خودداری می‌کردند، بلکه در مواردی به نظر می‌رسد گفتارشان با آنان همراه با تقیه است. روایات متعددی از بزرگان بتریه از جمله: «سالم بن ابی حفصه»، «کثیرالنواء»، «حسن بن صالح» و طرفداران آنان نقل شده که صادقین (ع) برخلاف شیخین و لزوم تولای آنان تأکید کرده‌اند. «کثیرالنواء» یکی از بزرگان بتریه، به گواهی تاریخ، در محافل گوناگون به تولای شیخین توصیه می‌کرده است (ابن جوزی، ۱۳۸۲ق، ۳: ۱۳۶؛ سیوطی، بی‌تا، ۱۰۱).

امام صادق (ع) درباره‌ی سران بتریه فرمودند: «إِنَّ الْحَكَمَ بِنِ عَتِيَّةٍ وَسَلْمَةَ وَكَثِيرَ النَّوَاءِ وَأَبَا الْمَقْدَامِ وَالتَّمَارِ - يَعْنِي سَالِمَ بْنَ أَبِي حَفْصَةَ - أَضَلُّوا كَثِيرًا مِمَّنْ ضَلَّ مِنْ هَؤُلَاءِ»؛ «آنان بسیاری از شیعیان را بسوی خود جذب کرده و سبب گمراهی آنان شده‌اند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ۴: ۵۴۴). از جمله نکات درخور توجه این است که طرفداران فرقه بتریه در عین تعامل با اهل سنت روابط نزدیک و تنگاتنگی نیز با امامیه داشتند، بدین طریق که بزرگان آن‌ها در جلسات عمومی ائمه (ع) و جلسات خصوصی درس‌آموزی آنان خصوصاً صادقین (ع) شرکت داشتند، ولی این شرکت به معنای پذیرش عصمت و علم الهی ائمه (ع) توسط بتریان نبود (برقی، بی‌تا، ۹، ۱۲، ۳۵).

عالمان مذهب بتریه افکار معتقدان به نص، مانند مشروعیت نداشتن خلافت شیخین را برناتفتند از این رو فعالیت‌هایی را با هدف پیش‌دستی بر امامیه در دستور کار خویش قرار دادند. آنان از ارتباطی که با صادقین (ع) داشتند به سود خود بهره‌برداری می‌کردند و گاهی به جعل سخنان ایشان می‌پرداختند (رحمتی، ۱۳۸۸ش، ۶۵). «کثیرالنواء» و «حسن بن صالح» که رهبری بتری مذهب را پس از قیام زید برعهده داشتند فعالیت‌های خود را برای تخریب امامی مذهب‌ان گسترش دادند. «کثیرالنواء» برای تخریب امامیه از پیش‌بینی پیامبر (ص) درباره‌ی امامیه به‌عنوان گمراهان از اسلام خبر داد (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۱: ۵۱۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ۱۲: ۳۶۳) و از قول رسول خدا (ص) تأکید کرد که رافضیان اسلام را به بیراهه می‌برند (ثقفی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۷۲۶؛ توحیدی‌نیا، ۱۳۹۳ش، ۱۲۵-۱۵۵).

به علاوه در حدیثی آمده است که: «ام‌خالد نزد امام صادق (ع) آمد و گفت: زراره مرا به تبری از شیخین و کثیرالنواء به تولای آنان امر می‌کند، کدامیک نزد شما محبوبتر هستند؟ امام در پاسخ فرمود: زراره و دوستانش نزد من محبوب‌ترند» (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۰۹). همچنین صادقین (ع) «کثیرالنواء» را فردی دروغ‌گو معرفی نموده‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۴۹۶) و در حدیث دیگری آمده است که امام صادق (ع) در دنیا و آخرت

از وی تبری جست (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۱۰) و نیز در گزارشی دیگر امام صادق (ع) از «کثیرالنواء» نام برده و فرمودند: «او و دوستانش نزد ما می‌آیند و ادعا می‌کنند که ما را تصدیق می‌کنند، ولی چنین نیست آن‌ها حدیث ما را می‌شنوند و تکذیب می‌کنند» (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۴۹۶).

با توجه به توضیحات فوق و شرح حال این راویان در منابع شیعه و اهل سنت که بیان گردید، احادیثی که از این راویان نقل شده‌اند بر اساس مبانی رجالی اهل سنت و شیعه، ضعیف محسوب می‌شوند. همچنین اسناد دیگر احادیث منقول از امام باقر (ع) نیز با توجه به بررسی‌های رجالی صورت گرفته و ضعف برخی راویان موجود در این سلسله اسناد، تضعیف می‌شوند. تنها دو طریق در شبکه‌ی اسناد احادیث امام باقر (ع) بر اساس معیارهای رجالی اهل سنت صحیح تلقی می‌شوند که به واسطه‌ی «سفیان بن عیینه» از امام صادق (ع) نقل شده‌اند.

بر اساس نمودار ۴، شش طریق از روایات امام صادق (ع) به «سالم بن ابی حفصه» و دو طریق به «حسن بن صالح» می‌رسد. هر دو راوی یعنی «سالم بن ابی حفصه» و «حسن بن صالح» از سران و رؤسای فرقه‌ی بتریه هستند. چنانچه گذشت، بتری مذهبانی قائل به مشروعیت دادن به خلافت شیخین و جواز امامت مفضول با وجود افضل هستند (ابن حزم، بی‌تا، ۴: ۹۲؛ ابن مرتضی، بی‌تا، ۱: ۴۰). بر اساس عقیده‌ی ایشان علی (ع) پس از پیامبر (ص) بهترین مردم و از همه برای امامت شایسته‌تر بود، اما بیعت با دو خلیفه‌ی اول و دوم نیز خطا نبوده و امام علی (ع) این امر را به ایشان واگذار کرده بود. این فرقه درباره خلیفه‌ی سوم و قاتلان او نیز متوقف بوده و او را کافر نمی‌دانند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ۱: ۶۵). لذا ۸ سلسله سندی را که به این دو تن می‌رسند براساس مبانی رجالی شیعه ضعیف هستند؛ علی‌رغم این‌که رجالیان اهل سنت نیز «سالم بن ابی حفصه» را جرح کرده‌اند.

دیگر اسانید شبکه‌ی اسنادی روایات امام صادق (ع) نیز با توجه به شرح حال رجالی راویان و عدم اتصال در برخی طریق‌ها، دارای ضعف بوده و حکم حدیث این اسناد با توجه به مبانی رجالی اهل سنت و شیعه ضعیف است.

طبق نمودار ۵، احادیث امام سجاد (ع) در کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی دو مورد بوده که حلقه‌ی مشترکی ندارند. از سوی دیگر در خصوص روایانی که از امام حدیث را نقل کرده‌اند، اثبات وثاقتی از سوی رجالیان شیعه و اهل سنت صورت نگرفته است. لذا باید آن دو را محکوم به ضعف دانست و در زمره‌ی احادیث ضعیف به شمار آورد.

بنابراین مطابق با مطالب پیش گفته، واکاوی اسناد روایات موجود در کتاب فضائل الصحابه نشان می‌دهد که بسیاری از اسناد این کتاب شبکه‌ای افقی و خطی دارند. از سوی دیگر بررسی شرح حال رجالی برخی راویان نیز حکایتگر ضعف اسناد براساس مبانی جرح و تعدیل اهل سنت و شیعه است. همچنین دقت در شرح روایانی که در تعداد بیشتری از اسانید احادیث این کتاب وجود دارند نشان می‌دهد که این راویان در برخی صفات مشترکند. مثلاً اکثر این راویان در بوم جغرافیایی کوفه بودند و راویان یک منطقه و بوم حدیثی محسوب می‌شوند و اسناد در این مورد نوعی تفرد نسبی دارند.

ویژگی مهم دیگری که در برخی از این راویان مشترک است، زیدی و به تعبیری دقیق‌تر بتری مذهب بودن این افراد است. روایاتی در کتاب فضائل الصحابه وجود دارد که سران و پیروان مذهب بتریه ناقلان آن از خاندان اهل بیت (ع) هستند. «کثیرالنواء»، «حسن بن صالح»، «سالم بن ابی حفصه» از جمله رؤسا و پایه‌گذاران مذهب بتریه بودند که در شماری از اسانید احادیث کتاب فضائل الصحابه نام این راویان به چشم می‌خورد. بر فرض پذیرش صحت اسانید موجود در کتاب فضائل الصحابه و به فرض پذیرش اعتبار تاریخی برای آن‌ها علی‌رغم ضعف اسناد، صرف نقل بسیاری از این احادیث از افرادی که بتری مذهب و مورد لعن اهل بیت (ع) بودند محل خدشه است. به علاوه در احادیث منقول از خاندان ائمه (ع) نیز برجستگی این انتساب ناقلان به مذهب بتریه یا زیدیه به چشم می‌خورد. احادیث افرادی چون: نفس زکیه، برادرش، پدرش عبدالله محض، زید بن علی و ...، لذا این نکته قرینه‌ای دیگر است که تفرد نسبی ناقلان احادیث کتاب فضائل الصحابه را اثبات می‌نماید.

همچنین توجه به این نکته که بسیاری از احادیث کتاب فضائل الصحابه در این کتاب، چنانچه بررسی شد متفردند یعنی به نوعی تفرد نسبی دچارند و حدیث متفرد میان رجالیان اهل سنت فاقد اعتبار تاریخی است (بستانی، ۱۳۸۶ ش، ۸۱؛ فهیمی تبار، ۱۳۹۲ ش، ۳۵) ضروری می‌نماید. حدیث مفرد حدیثی را گویند که به نحوی از انحاء تک باشد این تفرد بر دو قسم است: تفرد مطلق و تفرد نسبی. حدیث مفرد نسبی به آن قسم از احادیث گفته می‌شود که می‌تواند از جهات مختلف تک باشد مثلاً چند راوی آن را نقل کنند که همه‌ی راویان در یک ویژگی مشترک باشند. یعنی همگی اهل شهر خاصی باشند یا دارای یک مذهب خاص باشند و ... (مدیرشانه‌چی، ۱۳۹۶ ش، ۹۰). در اعتبارسنجی اسناد احادیث، تفرد نسبی نوعی ضعف محسوب می‌شود؛ پژوهش حاضر درصدد است تا نمونه‌ای از وجود این نوع تفرد در احادیث را نشان دهد.

بنابراین ضعف اکثر اسانید احادیث کتاب فضائل الصحابه، به علاوه‌ی این‌که اکثر راویان موجود شبکه‌ی اسناد این احادیث، زیدی یا بتری مذهب بوده و یا راوی بتری مذهبی از ایشان حدیث را نقل کرده است؛ نتیجه می‌دهد که اسناد این احادیث به سبب نقل توسط راویان زیدی یا بتری مذهب، با توجه به مبانی کلامی شیعه‌ی امامیه معتبر نخواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این پژوهش گذشت چنین بدست می‌آید:

۱- دارقطنی در بیان احادیث این کتاب به نقل از ثقات بسنده کرده و به ضعف اسناد با وجود راویان دیگر در سلسله‌ی سند که توسط رجالیان و بعضاً توسط خود دارقطنی تضعیف شده‌اند، توجهی نداشته است. بنابراین می‌توان دارقطنی را دارای روحیه‌ی تساهل و تسامح در برخورد با احادیث فضائل دانست به گونه‌ای که علی‌رغم روحیه‌ی نقد حدیثی، به ضعف اسناد و راویان آن توجهی نکرده است.

۲- بررسی‌های سندی انجام شده بر اساس کتب رجال شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که احادیث موجود در کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی هم از لحاظ مبانی رجال اهل سنت و هم از لحاظ مبانی رجال شیعه محکوم به ضعف هستند.

۳- باتوجه به این‌که برخی از این روایات از بتری یا زیدی مذهب‌ان نقل شده‌اند می‌توان نوعی تفرد نسبی را از آن نتیجه گرفت. لذا این تفرد نسبی درکنار تفردی که از کوفی بودن بیشتر راویان این احادیث به دست می‌آید، سبب تقویت حکم ضعف این اسانید می‌شود و اسناد این احادیث با توجه به مبانی کلامی امامیه معتبر نخواهد بود.

۴- تحلیل شبکه‌ی اسانید احادیث موجود در کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی، نشان می‌دهد که انتشار این احادیث به لحاظ تاریخی تقریباً به دوران صادقین (ع) برمی‌گردد. یعنی برهه‌ای از تاریخ که ائمه‌ی شیعه (ع) به سبب حاکمیت اهل سنت ملزم به تقیه بودند، لذا می‌توان صدور بسیاری از احادیث موجود در کتاب فضائل الصحابه‌ی دارقطنی را تقیه‌ای دانست.

۵- همچنین با بررسی و اثبات وجود نوعی تفرد نسبی در اسناد احادیث کتاب فضائل الصحابه، می‌توان پژوهش حاضر را ارائه‌ی نمونه‌ای عینی از بحث تفرد نسبی در اسناد احادیث به شمار آورد.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منفعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- آقای، سیدعلی. "تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد؛ نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیرنیل". علوم حدیث، ۴۱ (۱۳۸۵ش): ۱۴۵-۱۶۸.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم، موسسه دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی، البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار، قم، مجمع الزخائر الاسلامی، بی‌تا.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، الجرح والتعديل، هند، مطبعه مجلس، بی‌تا.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، مراسیل، بیروت، الرساله، ۱۴۱۸ق.
- ابن ادريس حلی، محمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، الضعفاء و المتروکین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۸۲ق.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد، الثقات، بیروت، موسسه الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ق.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد، مشاهیر علماء الامصار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۵۹م.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، تقریب التهذیب، حلب، دار الرشید، ۱۴۱۱ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، بیروت، دار صادر، ۱۳۲۵ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان. بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.
- ابن داود حلی، حسن بن علی، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن عدی، ابواحمد عبدالله، الکامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- اشعری، اسماعیل بن اسحاق، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، آلمان، فرانس شتاینر، ۱۴۰۰ق.
- برقی، احمد بن محمد، الرجال، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۳۰ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- بستانی، قاسم. "ارزیابی حدیث نحن معاشرا الانبیاء لانورث". شیعه‌شناسی، ۲۰ (۱۳۸۶ش): ۸۱-۹۶.
- توحیدی نیا، روح‌الله. "واکاوی چگونگی تعامل امام باقر (ع) و امام صادق (ع) با فرقه‌ی بتریه". تاریخ اسلام ۱۵، ۵۸ (۱۳۹۳ش): ۱۲۵-۱۵۴.

- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- حلی، حسن بن یوسف، ترتیب خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ش.
- خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بی جا، بی نا، ۱۳۷۲ش.
- دارقطنی، علی بن عمر، الجزء الحادی عشر من فضائل الصحابة، مدینه، مكتبة الغرباء الاثرية، ۱۴۱۹ق.
- دارقطنی، علی بن عمر، الجزء الحادی عشر من فضائل الصحابة، جده، دار ماجد عسیری، ۱۴۲۲ق.
- دارقطنی، علی بن عمر، الزامات و التتبع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- دارقطنی، علی بن عمر، العلل الواردة فی احادیث النبوة، ریاض، دارالطبیة، ۱۴۰۵ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تذهیب تهذیب الکمال، بی جا، الفاروق الحدیثه، ۱۴۲۵ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۴ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- رحمتی، محمد کاظم، مقالاتی در تاریخ زیدیه و امامیه، تهران، بصیرت، ۱۳۸۸ش.
- زریاب، عباس، بتریه، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۲ش.
- سمعانی، عبدالکریم، الانساب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفه، بی نا.
- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جماعه المدرسین، ۱۴۰۴ق.
- صنعانی، محمد بن اسماعیل، ثمرات النظر فی علم الأثر، ریاض، دارالعاصمه، ۱۴۱۷ق.
- طبیسی، علیرضا، مجید زیدی جودکی، و فهمیه جفرسته. "بررسی دلایل و اسباب «رافضی، ناصبی و شیعی» خواندن راویان و اعتبارسنجی آن ها از نظر رجال پژوهان اهل سنت". مطالعات فهم حدیث ۵، ۱۰ (۱۳۹۸): ۷۹-۱۰۱. doi: 10.30479/mfh.2019.1615
- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، قم، جماعه المدرسین، ۱۴۲۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
- عجلی، احمد بن عبدالله، معرفه الثقافت، مدینه، مكتبة الدار، ۱۴۲۸ق.
- فهمی تبار، حمیدرضا. "روایت «لا تُؤرَثُ ما ترکنا صدقَه» در دو نگاه". حدیث پژوهی ۵، ۱۰ (۱۳۹۲ش): ۳۵-۵۶.
- کشی، ابو عمرو محمد بن عمر، رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مزی، یوسف، تهذیب الکمال، بیروت، الرساله، ۱۴۰۶ق.
- مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جماعه المدرسین، ۱۳۶۵ش.
- نسائی، احمد بن شعیب، الضعفاء و المتروکون، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدکات علم رجال، تهران، فرزند مؤلف، ۱۴۱۴ق.
- نیل ساز، نصرت، مریم نکونام، و الهام زرین کلاه. "اصول و مبانی ارزیابی سند، متن و خاستگاه حدیث از دیدگاه محدث ارموی". مطالعات فهم حدیث ۱۱، ۲۱ (۱۴۰۳): ۹-۳۰. doi: 10.30479/mfh.2024.19633.2330
- هیثمی، ابوالحسن نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ق.

Juynboll, Gautier, "Some isnad-analytical methods illustrated on the basis of several woman-demeaning sayings from hadith literature", In: Hadith: Origins and Developments, New York, Routledge, 2016, pp. 175-216.

Schacht, Joseph, the Origins of Muhammadan Jurisprudence, Oxford: Oxford University Press, 1950.